

چهار هزار سال در چند مقاله

- ۶ -

در شماره پیشین سرانحطاط و علل شکست و اضمحلال قوم پارسی و دولت هخامنشی را تا آنجا که در این مقاله مختصر امکان پذیر هست شرح دادیم . بعد از غلبه اسکندر بر سپاهیان هخامنشی ولایات مختلف و ممالک تابعه شاهنشاهی هخامنشی در مشرق بسرعت در تصرف مقدونیان در آمد و دولتی بیگانه در ایران تأسیس شد که از ۳۳۱ قبل از میلاد تا سال ۲۵۰ قبل از میلاد تقریباً بدون منازع حکومت کرد و از آن پس بقدریج ضعیف شد و از میان رفت . اسکندر پس از غلبه بر ایران آتش در پرسیولیس افکند و بقتل عام و غارت مهبیبی در آن شهر فرمان داد و محققاً در این کار قصد اهانت بایرانیان و اعلام سقوط و اضمحلال حکومت آنان داشت . وی در ایران و همچنین در تمام ممالک مفتوحه خود در عین آنکه خویشتمن و احامی افراد ملت نشان میداد میخواست آثار تمدن یونانی را بپراکند و بهمین سبب مخصوصاً در ایران فرمان داد که ده هزار تن از سربازان و سرداران او با زنان ایرانی وصلت کنند و خود نیز در میان شاهزادگان و نجیب زادگان ایرانی دو دختر را بهمسری برگزید . در تشکیل ایالت درباری و تقسیمات مملکتی ، اسکندر رسم حکومت هخامنشی را پیروی کرد اما از تمام ساتراپیها (خشترپلون ها) (۱) = شهر بانان) سابق امپراطوری هخامنشی تنها دو ایرانی را برجای نیندیکتی آذرباد (آتروپات) نامی را که بر قسمتی از سرزمین ماد حکومت داد و آنقسمت همانست که بعداً بنام وی آتروپاتکان (آذربادگان = آذربایجان) نامیده شد و پس از و خاندان وی هم مدتها بر آن سرزمین حکومت کردند و دیگر شهر بان بابل که چون از طریق خیانت با اسکندر نجنگید همچنان در آن سرزمین بحکومت خویش باقی ماند . مابقی شهر بانان یونانی و مقدونی بودند . از جمله اعمال دیگر

اسکندر آن بود که سی هزار تن از اطفال ایرانی را در میان سپاهیان خود قسمت کرد تا زیر دست مقدونیان و یونانیان تربیت یابند و فنون جنگی و زبان یونانی را از آنان فراگیرند. یکی دیگر از اعمال وی بنای چند شهر بود بنام خود (اسکندریه) که مقصود وی از آن اختلاط تمدنها و نشر تمدن یونانی بوسیله آنها بوده است و حتی میان یادداشتهای اسکندر نقشه کوچاندن گروه بزرگی از مردم آسیا بیونان و مردم یونان بآسیا دیده شده است و مجموعه این مطالب ثابت میکند که اسکندر میخواست تمدن یونانی را در ممالک مفتوحه بپراکند و این نقشه خواه و ناخواه بوسیله جانشینان وی عملی گردید چنانکه در طول مدت غلبه و حکومت سلوکیان (جانشینان سلوکوس سردار بزرگ اسکندر که بر ایران و قسمتی از امپراطوری اسکندر در مشرق تسلط یافت) زبان و ادبیات و بسیاری از مراسم ملی و حتی برخی از آداب و عقاید دینی یونانیان در ایران رواج یافت و این نفوذ و رواج تا قسمتی از عهد اشکانی هم وجود داشت.

در این ایام یعنی در دوره حکومت سلوکی ها بر قسمتی از آسیا بقدر بیخ درلتهای نیمه مستقلی در نواحی مختلف ایران بوجود آمد که از آن میان مخصوصاً میتوان حکومت سلسله آتروپاتن را نام برد که قبلاً راجع بآنان سخن گفته ایم و دیگر دولت باختر یعنی یکدولت یونانی که بوسیله دیودوت نامی از حکام محلی یونانی از سغد تا مرو و بلخ تشکیل شد و مدتی معارض حکومت سلوکی و اشکانی بود.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سومین و مهمترین دولتی که در برابر دولت سلوکی از میان ایرانیان تشکیل شد و کشور ایران را از شر استیلاء بیگانگان رهائی داد، دولت اشکانی است که بدست قوم «پارت» بوجود آمد.

قوم پارت (پارت) (۱) یکی از شعب نژاد آریایی ایرانست که در کتیبه هاریوش اول سرزمین آنان پرثو (۲) نامیده شده است و این سرزمین عبارتست از خراسان کنونی و همین نام بعداً به «پهلوی» مبدل شده و در ادبیات فارسی با الف و نون نسبت (پهلوان) و بدون آن استعمال گردیده است. آنچه ای راهم که بوسیله این قوم لهجه رسمی ایران در تمام مدت حکومت اشکانیان گردید و جزء لهجات

متوسط شمال ایرانست لهجه پهلوی شمالی یا لهجه پهلوی اشکانی مینامند، از باب آنکه وجه تمایزی بین آن و لهجه رسمی ایران در دوره ساسانی که لهجه‌ای از لهجات متوسط جنوب ایران بوده و به پهلوی جنوبی، مشهور است، موجود باشد. قوم پارت ظاهرآبایکی از اقوام سکائی^(۱) بنام قوم داه^(۲) که محل سکونت آنان در شمال کرگان و قسمتی از سواحل شرقی بحر خزر^(۳) بوده و بهمین سبب ناحیه مذکور را در تمام ایام قبل از اسلام و دوره اسلامی دهستان، میگفتند، اختلاطی حاصل کرده و از این روی بعضی از رسوم و عادات اقوام سکائی را پذیرفته بودند. باین جهت و ببعضی جهات دیگر مردم پارت، سواران جنگاور و تیراندازان لایق و چیره دستی بودند و علاوه بر این چون در عهد ظهور اوستا و در سرزمین شرقی ایران که اولین و قدیم‌ترین مرکز ایجاد تمام عادات و رسوم و عقاید و دین و ملیت قوم آریائی ایران بوده است زندگی میکردند خصائص ایرانی خود را دیرگاه نگاه داشته و هیچگاه از دست نداده و با همان سادگی و درستی و سلامت قدیم باقی مانده بودند و بهمین سبب بعد از ساکنین آذربایکان (آذربادگان) اولین دسته‌ای از اقوام آریائی ایران هستند که در قبال بیگانگان قیام کردند این قیام بوسیله یکی از سران قوم پارت بنام ارشک، در ۲۵۰ سال قبل از میلاد یعنی هشتاد و یکسال بعد از سومین شکست بزرگ داریوش از اسکندر در اربل صورت گرفت. پادشاه سلوک که ایران در این هنگام آن تیوخوس دوم بود که علاوه بر مشکلات نظامی خود در آسیای صغیر گرفتار سرکشی اهالی آذربایجان شد و نتوانست بقیام ارشک در سرزمین پارت رسیدگی کند و اگر چه ارشک بیش از سه سال پس از قیام و اعلام حکومت مستقل خویش نزیست ولی قیام او باعث تشکیل دولت مستقل ایرانی اشکانی شد که ظهور آن باعث رهایی ایران از يك خطر موجود یعنی تسلط یونانیان و يك خطر آینده یعنی تسلط قریب الوقوع رومیان گردید.

دولت اشکانی از دولتهای زورمند و مقتدر ایرانی است که با خصائل و عادات کهن ایرانی و با سلامت و سادگی و راستی و درستی که از خصائص ایرانیان

۲-Dâha

۱- قوم سکا یکدسته از اقوام هندو اروپایی بوده‌اند.

۳- بین کرگان و کراسنو و دسک کونوی

قدیم بود مدت درازی یعنی ۴۷۶ سال (۲۵۰ ق. م - ۲۲۶ میلادی) برای ایران حکومت کرد و اگر چه حدود شاهنشاهی ایران را هیچگاه بدو تسلط هخامنشیان فرسائید ولی باز اراضی وسیعی را تحت تسلط و اقتدار خود در آورد که حدود آن عبارت بود: از شمال رود سیحون (سیردریا) و دریای خزر و آنسوی جبال قفقاز - از جنوب اوقیانوس هند و بحر عمان و خلیج فارس - از مشرق کوههای هیمالایا و پنجاب و رودخانه سند - از مغرب رود فرات .

از خصائص مهم حکومت اشکانی آنست که هر یک از عشایر پارتی در این روزگار بر قسمتی از ایران حکومت داشتند و طرز حکومت این قبایل این بود که در داخله استقلال تام داشتند ولی از حیث امور خارجی بتمام معنی تابع شاهنشاه اشکانی بودند و در جنگها نیز میبایست هر یک بقدر طاقت خود شاهنشاه را کمک نظامی کنند. شاهنشاه معمولاً از میان این ملوک الطوائف انتخاب میگردد. از میان تمام طوایف اشکانی دو طایفه یکی طایفه قارن دیگری طایفه سورن بیش از دیگران نفوذ و قدرت داشتند .

یکی دیگر از مسائلی که از دوره اشکانی باید بخاطر داشت نفوذ شدید تاریخ و تشکیلات این عهد است در داستانهای ملی و قهرمانی ایرانیان چنانکه عده زیادی از پهلوانان حماسه ملی ما مانند قارن - فرود - گودرز - گیو - بیژن - رستم - میلاد - زراسب - پلاشان - فرهاد - اشکش - اصلا از شاهنشاهان یا از ملوک الطوائف اشکانی هستند بنابراین با آنکه جانشینان حکومت اشکانی یعنی ساسانیان با شدت فراوان از احیاء ذکر و آثار شاهان اشکانی جلوگیری میکردند با اینحال یاد سلاطین جنگاور و مہین پرست اشکانی که در نگاهبانی ایران و رها نیدن آن از مخاطرات فراوان زحمات بسیاری متحمل شدند ، از خاطر ایرانیان محو نشد و بهترین نحوی در داستانهای ملی ما باقی ماند .

